



آخرین بلایی هم که سر حساب‌رسان کشور آمد به مصوبه هشتم خرداد سال ۹۸ بازمی‌گردد که زمینه کار حساب‌رسان رسمی را به یک‌دهم کاهش دادند.

ارمان ملی - امیر داداشی:

عرضه سهام شرکت‌های بزرگ دولتی به بورس مدت‌هاست که به گوش می‌رسد؛ موضوعی که از سال گذشته رنگ و بوی جدی‌تری به خود گرفت و گویا قرار است امسال سرانجام این عرضه اتفاق بیفتد. در همین رابطه فرهاد دژپسند، وزیر امور اقتصادی و دارایی، اظهار داشت: در آینده نزدیک در سال جاری، سهام دولت در تعداد ۹ شرکت دولتی در رسته‌های انرژی (پالایشگاه و پتروشیمی)، مالی (بانک‌ها و بیمه‌ها) و صنایع فلزی و معدنی در بورس عرضه خواهند شد. حال باید دید با تغییر رئیس سازمان بورس، این عرضه‌ها چطور پیش خواهد رفت؟ در این زمینه «ارمان ملی» گفت‌وگویی با عباس هشی، عضو جامعه حسابداران رسمی، انجام داده است که در ادامه می‌خوانید سرانجام روز شنبه رئیس سازمان بورس تغییر کرد و حسن قالیباف اصل جایگزین شاپور محمدی شد.

دلیل این تغییر چه بود و انتخاب جدید شورای عالی بورس را چطور ارزیابی می‌کنید؟

دلیل این تغییرات روشن است. اختلاف نظر وزیر اقتصاد و رئیس سابق بورس بر سر برخی تصمیمات سرانجام باعث استعفای آقای محمدی شد. هر کدام از این مسئولان سعی داشتند تا حرف خود را به کرسی بنشانند و تصمیم‌هایی را بگیرند. شاپور محمدی بیشتر به استقلال سازمان بورس تاکید داشت و آقای دژپسند هم به هر حال به عنوان رئیس شورای عالی بورس نظرات خود را داشت. حال تصمیماتی که در رابطه با کاهش دامنه نوسان و تغییر حجم مبنا گرفته شد، آتش اختلافات را شعله‌ور کرد. با این حال باید توجه داشت که بورس به حیاط خلوتی تبدیل شده که کسی از آن ایراد نمی‌گیرد و به همین دلیل وزرای اقتصادی جذب نقدینگی به این سمت را به نفع خود می‌دانند. زیرا تا تغییری در قیمت ارز و سکه به وجود می‌آید، سریعاً از نمایندگان مجلس گرفته تا قوه قضائیه وزیر اقتصاد را بازخواست می‌کنند، اما رشد شاخص بورس، حتی اگر حبابی باشد، تشویق عمومی را به همراه دارد. دیگر کسی وزیر اقتصاد را بابت رشد شاخص بورس مورد پرسش قرار نمی‌دهد.

آیا شما رشد کنونی بورس را حبابی می‌دانید؟

بله این رشد حبابی است. پس از کاهش نرخ سود سپرده‌های بانکی، رشد تورم و بازگشت ثبات نسبی در نیمه اول سال گذشته با بازارهای ارز، طلا و سکه، سرمایه سرگردان وارد بازار سرمایه شد. ما که بازار اولیه‌ای نداریم مردم مستقیماً در شرکت‌ها سرمایه‌گذاری کنند، بر این اساس با خرید و فروش سهام سعی می‌کنند ارزش دارایی خود را حفظ کنند. حال با توجه به این شیوه سرمایه‌گذاری و نوساناتی که در بورس شاهد آن هستیم، می‌توان درباره حبابی بودن و شرایط غیرعادی شاخص بورس سخن گفت. کرونا نیز شاهد دیگری برای حبابی بودن بورس ایران است؛ در حالی که ویروس کووید-۱۹ بورس بیشتر کشورهای جهان را زمین زد، شاخص بورس ایران بدون توجه به این موضوع، مسیر صعودی خود را ادامه داد. پس دلیل تغییر در ریاست سازمان بورس ارتباطی به شاخص‌ها ندارد، بلکه به دلیل اختلافات موجود، این تغییرات به وجود آمد.

انتخاب حسن قالیباف اصل به عنوان رئیس جدید بورس را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

با توجه به بعضی از جاه‌طلبی‌ها و اختلافات ایجادشده این تغییر درست بود و به نظر می‌رسد وزارت اقتصاد دیگر علاقه‌ای به ادامه همکاری با آقای محمدی نداشت. انتخاب آقای قالیباف را هم می‌توان به فال نیک گرفت. زیرا ایشان از زمانی که دانشجوی بودند فعالیت بورسی خود را به شکل حرفه‌ای آغاز کرد و از تاسیس و مدیریت شرکت‌های سرمایه‌گذاری بورسی گرفته تا ریاست سازمان بورس را در کارنامه خود دارد. این تجربیات باعث شده تا او از تمامی زد و بندهای سیاسی بورس آگاه باشد و بتواند به خوبی آن را مدیریت کند. البته روحیات آقای قالیباف خوشبختانه به گونه‌ای است که خود را هیچ‌گاه وارد این زد و بندها نمی‌کند و جاه‌طلبی سیاسی هم در او دیده نمی‌شود. ایشان بارها نشان داده‌اند که صرفاً مدیر اقتصادی هستند و به طور حرفه‌ای این فعالیت خود را پیش می‌برند.

در دوره آقای محمدی چه تغییری در شیوه حسابرسی‌ها به وجود آمد؟

ایشان هم تفاوتی با روسای پیشین بورس نداشت. در این دوره نه تنها وضعیت برای حسابرسی‌ها و نظارت‌ها بهتر نشد که بدتر هم شد. آخرین بلایی هم که سر حساب‌رسان کشور آمد به مصوبه هشتم تیر سال ۹۸ بازمی‌گردد که زمینه کار حساب‌رسان رسمی را به یک‌دهم کاهش دادند. طوری که شرط وجود امضای حسابدار رسمی برای ارائه گزارش رسمی را لغو کردند. یعنی اکنون امضای حسابدارانی پای گزارش‌های رسمی دیده می‌شود که حسابدار رسمی نیستند. در اینجا مسئولیت‌ها چه می‌شود؟ این امر مصداق بارز دخالت در شرح وظایف به شمار می‌رود.

به نظر شما عرضه سهام شرکت‌های بزرگ دولتی در بورس که طبق آخرین اخبار قرار است در ۱۵ اردیبهشت اتفاق بیفتد چه تاثیری بر بازار می‌گذارد و آیا اصلاً این عرضه را قابل تحقق می‌دانید؟

دولت بودجه خود را به‌گونه‌ای تنظیم کرده که ناچار به مال‌فروشی شده است. بنابراین این یک توفیق اجباری به حساب می‌آید که دولت قصد دارد با فروش سهام شرکت‌های بزرگ به‌گونه‌ای دست از تصدی‌گری بردارد. حال اینکه اجرا می‌شود یا خیر بستگی به عوامل مختلفی دارد. دولت اعلام کرده که کشف قیمت بر اساس متوسط نرخ‌های دو سه ماه اخیر اتفاق می‌افتد. بنابراین دولت می‌تواند اموال خود را به این روش با قیمت بالایی بفروشد. حال چطور دولت پهن‌پیکر به این کار رضایت دهد جای سوال دارد. همچنین باید دید سرمایه خرید این سهام از کجا می‌آید؟ بر این اساس، مردم باید سهام خود را بفروشند و سهام دولتی را بخرند. علاوه بر این، در دهه ۸۰ هر گاه که چنین اتفاقاتی رخ می‌داد، یک سری از افراد پشت‌قباله این سهام را داشتند و با تخفیف‌های قابل‌توجه به این سهام دست پیدا می‌کردند. حال دولت باید توضیح دهد که این سهام هم پشت‌قباله دارد یا خیر؟ همچنین مهم است که چه کسانی این سهام را می‌خرند. دولت ضمانت داده که خصولتی‌ها در نقش خریدار ظاهر نشوند که این اتفاق خوبی است. درنهایت اینکه دولت به ابردهکار به تامین اجتماعی و صندوق بازنشستگی تبدیل شده است. تمامی بیمارستان‌ها هم طلبکار بیمه‌ها هستند، حال به نظر می‌رسد دولت قصد دارد با فروش سهام شرکت‌های بزرگ دولتی رد دیون کند. البته این بخشی از ماجراست؛ اما دولت باید ابتدا بدهی‌های خود را از طریق بانک مرکزی تسویه کند و سپس این سهام را به بورس عرضه کند.